

اهداف، شیوه‌ها، ضرورت‌ها و چالش‌های ویرایش در ایران

در گفت‌وگو با مهدی قنواتی عضو هیئت مؤسس انجمن صنفی ویراستاران

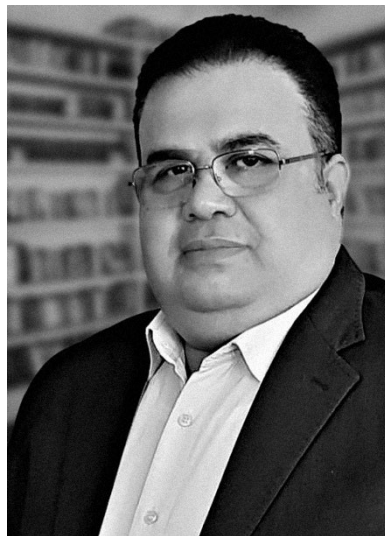
خزاعی‌فر: جناب آقای قنواتی. ما در چهار دهه گذشته تجربه‌ای در سطح ملی و به‌صورتی بسیار گسترده در آموزش ترجمه و تربیت مترجم داشته‌ایم. گرایش غیرعادی جوانان به رشته ترجمه دلایل بسیاری دارد، از جمله محدودیت رشته و محدودیت انتخاب و نیز گسترش این رشته در تمامی دانشگاه‌ها به‌خصوص دانشگاه آزاد علی‌رغم فراهم‌نبودن متخصص لازم برای تدریس. نتیجه چهار دهه پذیرش بی‌رویه در رشته تربیت مترجم که در جهان از جهت کمی بی‌سابقه است ما را با بحرانی در کیفیت ترجمه روبه‌رو کرده است. موضوع وضعیت ترجمه در ایران را باید در جای خود مفصل بحث کرد، هرچند که این بحث با بحث ویرایش بی‌ارتباط نیست. در سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه ویرایش هستیم، از جمله تشکیل انجمن صنفی ویراستاران، و تأسیس انجمن علمی ویراستاری ایران. از این گذشته بسیاری از مؤسسات علمی و فرهنگی هم به کار آموزش ویرایش روی آورده‌اند و کلاس‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ویرایش می‌گذارند و گواهی شرکت در دوره یا کلاس صادر می‌کنند و قطعاً تا به امروز افرادی بسیاری از این دوره‌ها فارغ‌التحصیل شده و انتظار کار ویراستاری دارند. هدف این گفت‌وگو و همچنین گفت‌وگو با انجمن علمی ویراستاری ایران در همین شماره این است که در این شتابی که آموزش ویراستاری در حال حاضر در ایران پیدا کرده لحظه‌ای توقف و تأمل کنیم و به آسیب‌شناسی آموزش ویراستاری بپردازیم تا تجربه آموزش ترجمه تکرار نشود. بفرمایید هدف اصلی انجمن صنفی ویراستاران از تأسیس انجمن چیست؟ آیا آن‌گونه که از لفظ صنفی برمی‌آید هدف پیگیری مطالبات صنفی اعضاست یا اینکه، فراتر از آن، برای انجمن اهدافی خدماتی و آموزشی قائلید؟

قنواتی: همان‌گونه که مستحضرید «ویرایش» به معنای امروزی از اواخر دهه ۱۳۲۰ش در کشور ما آرام‌آرام رایج شده و مسیری پُرپیچ‌وخم را پیموده تا به اینجا رسیده است. در طول هفتاد هشتاد سال گذشته، جایگاه و نقش و تأثیر ویرایش روزافزون بوده است تا آنجا که تقریباً امروز شخصیت حقیقی و حقوقی‌ای نمی‌توان یافت که نافی این جایگاه و نقش باشد. همگام با این نقش روزافزون، افرادی با عنوان «ادیتور» و سپس «ویراستار» در حوزه‌های تولید محتوا

بروز و ظهور یافتند و شمار آنان رفته رفته بیشتر و بیشتر شد. این ویراستاران، که در یک سطح از دانش و مهارت نبودند، به تدریج و با رشد نهادهای مردم نهاد یا سمن ها به فکر افتادند یک «انجمن» تأسیس کنند تا هم به جامعه ویراستاران سروسامان دهند و هم مطالبات صنفی شان را پیگیری کنند و هم سطح علمی و مهارتی خود را افزایش دهند البته پیش تر، برخی از بزرگان این عرصه تلاش هایی به همین منظور صورت داده بودند که بنا به عللی به سر منزل مقصود نرسید. جا دارد در اینجا از همه آنان تشکر کنیم. مطالعه ها، مشاوره ها و رایزنی های فراوانی کردیم و جلسه های متعددی برگزار کردیم تا چگونه انجمنی برای این قشر فرهنگی بنا نهیم. انجمن ویراستاران باید چه شاخصه ها و ویژگی هایی داشته باشد تا بتواند «هر نوع» ویراستاری را در آغوش خود جای دهد؟ این پرسش و چندین پرسش دیگر ما را به درکی رساند که «انجمن صنفی» احتمالاً تشکلی است که می تواند صدر تا ذیل « ویرایش و ویراستار» را پوشش دهد. بر همین اساس، اساس نامه ای مبسوط و مشروح نیز برای این انجمن تدوین شد که اگر لازم باشد درباره اش جداگانه توضیح می دهیم. همان گونه که از لفظ «صنفی» برمی آید، آغوش انجمن به روی همه ویراستاران باز است؛ از ویراستار نوآموز و تازه کار (البته مطابق با شروطی که در اساس نامه آمده) تا ویراستار کاملاً باتجربه و متخصص. این انجمن فقط به یک نوع یا طبقه خاص از ویراستاران تعلق ندارد. شروط عضویت در انجمن شروط حداقلی است، البته تلاش کرده ایم، مطابق با ضوابط و مقررات انجمن های صنفی در کشور، این نگاه حداقلی به جایگاه و نقش ویراستاران لطمه نزنند.

خزاعی فر: درباره عضویت لطفاً بیشتر توضیح بدهید. ولی قبل از اینکه توضیح بدهید مایلیم باز به تجربه ای از حوزه ترجمه اشاره کنم. در حوزه ترجمه هم به همت برخی دوستان جوان یک انجمن صنفی مترجمان در چارچوب مقررات انجمن های صنفی ایجاد شده و شرایط عضویت آن هم بسیار ساده است و همه مترجمان می توانند عضو آن بشوند. ولی در عمل مترجمان حرفه ای و سرشناس نیاز چندانی به عضویت در انجمن ندیده اند. دلیلش شاید به ماهیت کار ترجمه حرفه ای برمی گردد. ترجمه کاری کیفی است و فرق بین مترجمان در کیفیت کارشان است ولی عضویت در انجمن حرفه ای مترجمان همه اعضا را در یک مرتبه کیفی قرار می دهد. یعنی هر عضو می تواند مدعی شود که مترجمی حرفه ایست، مخصوصاً اگر مترجمان حرفه ای و شناخته شده خود انجمن را تأسیس نکرده باشند. و البته اگر مترجمان حرفه ای انجمنی تأسیس کنند، آنگاه شرایط عضویت دیگر چندان ساده نخواهد بود چون عضو چنین انجمنی از مزایای حرفه ای برخوردار می شود. حال با توجه به این تجربه، بفرمائید انجمن شما چگونه شکل گرفته است و عضویت در انجمن ویراستاری چه امتیاز حرفه ای نصیب اعضا می کند؟ و نیز بفرمایید در مسئله عضویت چه تمهیداتی به کار برده اید که بتوانید پای ویراستاران حرفه ای را به انجمن بکشانید و از تجارب آنها استفاده کنید؟

قنواتی: پرسش حضرت‌عالی چند موضوع را دربرمی‌گیرد: شروط عضویت در انجمن، رتبه‌بندی اعضای انجمن، حضور ویراستاران مجرب در انجمن، و پیوند بین ویراستاران تازه‌کار و ویراستاران مجرب. تلاش می‌کنم در مجالی که هست به این موضوعات بپردازم. پیش از پاسخ به این پرسش، اجازه می‌خواهم اشاره‌ای به تنوع انجمن‌ها در کشور بکنم. براساس قوانین کشور، وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کار و رفاه اجتماعی، علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، و کشور مجوز تأسیس و تشکیل انواع انجمن‌ها را



صادر می‌کنند. مجوز انجمن‌های صنفی را وزارت کار و رفاه اجتماعی صادر می‌کند. همین تنوع نهادها در صدور مجوز سبب گوناگونی، و بعضاً سردرگمی، انواع انجمن‌ها و مؤسسان آنها در سراسر کشور شده است؛ طبیعتاً این گوناگونی و سردرگمی مشکلات و معضلات عدیده دیگری نیز موجب شده است که مجال پرداختن به آنها در این مقال نیست.

با توجه به آنچه عرض شد، وقتی ما خواستیم مبادرت به تأسیس انجمن کنیم، به تمامی این مباحث پیدا و پنهان نیم‌نگاهی داشتیم و با آگاهی کامل پا به این عرصه گذاشتیم؛ شاید بتوانم این‌گونه خلاصه کنم: حضور در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی در ایران «دل‌شیر، صبر ایوب، و کفش آهنین» و البته «وجاهت و مشروعیت» می‌خواهد. این توضیحات را عرض کردم تا بگویم، از بدو راه‌اندازی انجمن، ما کوشیدیم به همه ابعاد و جوانب توجه داشته باشیم. به همین اعتبار، عرض می‌کنم که هم اعضای هیئت مؤسس و هم اعضای پیشین و کنونی هیئت‌مدیره انجمن صنفی ویراستاران موضوعاتی همچون شروط عضویت، رتبه‌بندی اعضا، حضور و عضویت ویراستاران مجرب، و تعامل میان ویراستاران تازه‌کار و مجرب را مدنظر داشته‌اند و به همه این امور اهتمامی ویژه ورزیده‌اند. گام‌های مؤثری نیز برداشته شده، هرچند تنگناهای مالی، محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، کمبود نیروی انسانی متخصص و مشتاق، فقر درک اهمیت خرد و کنش گروهی، کم‌توانی و کم‌طاقتی و کم‌حوصلگی افراد در انجام فعالیت‌های اجتماعی، و چند عامل دیگر سبب شده است که هنوز راهی طولانی در پیش باشد.

در اینجا اجازه می‌خواهم از زاویه و نگاه دیگری به پرسش حضرت‌عالی پاسخ بدهم. ویرایش «در معنای امروزی‌اش» تقریباً هشتاد سال است که در وطن ما جریان دارد. بر مبنای

آنچه بنده اطلاع دارم، معاونت آموزشی وزارت عتف در ۱۳۹۳ یا ۱۳۹۴ دوره کارشناسی ارشد «نگارش و ویرایش» را تصویب و به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابلاغ کرد. چرا این را می‌گویم؟! چون عمر آکادمیک و دانشگاهی این حوزه بسیار بسیار ناچیز است. انجمن صنفی ویراستاران در ۱۳۹۵ و انجمن علمی ویراستاری ایران هم در ۱۳۹۸ پایه‌گذاری شدند؛ به بیان دیگر، عرض می‌کنم که کمتر از یک دهه است که نهادی علمی یا صنفی متولی حوزه نگارش و ویرایش در کشور شده است. در چنین هنگامه‌ای طبیعی است که باید درباره رتبه‌بندی کنشگران این حوزه تأمل کرد؛ طبیعی است که ویراستاران کارآزموده و مجرب در پیوستن به انجمن احتیاط کنند؛ طبیعی است که ناشران قدری با «درنگ» پذیرای خدمات انجمن باشند؛ طبیعی است که ... هیئت‌مدیره انجمن نیز بارها و بارها اعلام کرده که عضویت در انجمن بیانگر تسلط یا عدم تسلط اعضا در این حوزه نیست. شما مثال از حوزه ترجمه زدید. من دانش‌آموخته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی‌ام. به باور بنده، موقعیت و وضعیت در این حوزه کاملاً متفاوت است. چنانچه صلاح دانستید در گفت‌وگویی دیگر می‌توان به صورت مشروح و مفصل به آن پرداخت.

خزاعی‌فر: به تاریخ ویرایش اشاره کردید و گفتید از اواخر دهه ۲۰ ویرایش باب شده است. البته آغاز ویرایش در عصر جدید به زمانی عقب‌تر و به دوره قاجار برمی‌گردد. برای مثال، ما می‌دانیم که محمدحسین فروغی کارش اساساً ویرایش بوده، هرچند که در آن دوره از اصطلاحات «تحریر» یا «نگارش» استفاده می‌کردند. بعدها ویرایش در حوزه ترجمه و به صورت مقابله‌ای در مؤسسه فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب و سپس سایر انتشاراتی‌ها ادامه یافت. ولی توجه کنید که در دارالترجمه ناصری (در دوره قاجار) ویراستاران منشیان زبان‌دانی بودند. در دو مؤسسه فوق‌الذکر هم کسانی که به ویرایش پرداختند خود زبان‌دان و مترجمان قابل‌بودند که هیچ‌کدامشان هم آموزش ویراستاری ندیده بودند. بنده منکر اهمیت و تأثیر آموزش نیستم ولی نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که ویراستاری کار دشواری است. ویراستار نویسنده نیست ولی نه در حد نویسنده، بلکه بیشتر، باید دانش و تسلط زبانی داشته باشد و گرنه فقط می‌تواند به ویرایش صوری پردازد و قادر نیست متن را بهبود ببخشد. تعریف شما از ویراستار خوب یا فردی که قابلیت آموزش ویراستاری دارد چیست؟

قنواتی: فرمایش شما درباره تاریخچه ویرایش کاملاً متین است. من عرض کردم «در معنای امروزی‌اش». در طول تاریخ، بزرگان علم و ادب سرزمین ما همواره شاگردانی داشته‌اند که آموزش‌ها و فرمایش‌های آنان را می‌نوشته‌اند و پاکیزه‌نویسی می‌کرده‌اند. آنچه این شاگردان انجام می‌داده‌اند فعالیتی مشابه فعالیت ویراستاران بوده است. «تحریر، تصحیح، امالی» از جمله عنوان‌هایی بوده که بر این فعالیت گذاشته‌اند. اما برپایه آنچه ما در انجمن به آن

رسیده‌ایم، احتمالاً روان‌شاد استاد ابوالحسن نجفی در انتشارات «نیل» در حدود سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ «اولین» یا «از اولین» ویراستارانی بوده که ویرایش را به شکل امروزی انجام داده است؛ یعنی پیش از تأسیس انتشارات فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب. من، به لطف پروردگار، در پانزده سال گذشته هم در حوزه آموزش دانشگاهی، هم در حوزه آموزش فنی حرفه‌ای، و هم در آموزش آزاد تجربه و مسئولیت داشته‌ام. به همین سبب می‌توانم عرض کنم اندکی محیط‌های آموزشی را می‌شناسم. به نظر بنده، فرایندی معیوب تقریباً در همه این محیط‌های آموزشی هست و آن گزینش و چینش مدرسان نامناسب و دانشجویان و هنرجویان نامناسب است. البته من با نهایت خضوع و تواضع به همه این عزیزان احترام می‌گذارم. این بیان بنده موجب سوءتفاهم نشود. منظور من «فرایند» است و نه افراد. برای توضیح بیشتر عرض می‌کنم که نظام آموزشی، در همه انواع و سطوح، به نظر بنده اشکال دارد؛ نحوه آزمون‌سازی، سطح‌بندی آزمون‌ها، مخاطب‌سنجی آزمون‌ها، طراحان آزمون‌ها، زمان و مکان آزمون‌ها، مجریان آزمون‌ها، منابع آزمون‌ها و چندین و چند مؤلفه دیگر «فقط» در موضوع آزمون‌ها مطرح است. چنانچه این همه معضل را در موضوع آزمون‌ها قبول داشته باشید، احتمالاً می‌پذیرید چه در گزینش و چینش مدرسان و چه در گزینش و چینش دانشجویان و هنرجویان ما با فرایندی معیوب مواجهیم. راستش ترجیح می‌دهم موضوع را پیش از این باز نکنم.

آموزش در حوزه نگارش و ویرایش از این قاعده مستثنا نیست؛ علاوه بر این، همان‌گونه که پیش‌تر عرض شد، نگارش و ویرایش و «آموزش» آن حوزه‌ای نوپاست و هنوز مسیری پریچ‌وخم در پیش‌رو دارد. ما در انجمن کوشیده و می‌کوشیم مدرسانی برگزینیم که اولاً عملاً و در عمل با کار و ویرایش و شقوق آن آشنا باشند؛ ثانیاً به‌گونه‌ای کاملاً تخصصی آموزش و ویرایش را پیگیری کنند؛ و ثالثاً دائماً در پی روزآمد کردن خود باشند. در این سال‌ها هم تجارب موفق و هم تجارب ناموفق داشته‌ایم. افزون این‌که سلايق و سوابق دانشجویان نیز گوناگون است و هماهنگی و برقراری توازن بین این دو قدری مدیریت آموزشی را مشکل می‌کند. به بیان دیگر، عرض می‌کنم که در آموزش انجمن آنچه برایمان مطبوع و مطلوب است «انتقال جامع» مفاهیم و مصادیق به دانشجویان است؛ چه بسا این مهم به دست باکفایت مدرس می‌محقق شود که تجربه عملی در ویرایش نداشته باشد و چه بسا ویراستاری کارآموده و کارکشته آموزش این علم و مهارت را برعهده گیرد. البته شکل و شیوه آرمانی انجمن را عرض کردم.

خرزاعی‌فر: یک تفرج ساده در اینترنت نشان می‌دهد که آموزش و ویرایش به بازاری تجاری تبدیل شده و مدعیان زیاد شده‌اند. آیا این را باید به فال نیک گرفت یا این تنوع و تکثر تالی فاسد دارد؟ یکی از مفاسد این کلاس‌ها را من به عینه دیده‌ام و آن صدور کارت شرکت در

کلاس است که حکم نوعی گواهی یا مدرک دارد. زمانی ما یک کنفرانس یک‌روزه ویرایش گذاشتیم، دیدم بسیاری از شرکت‌کنندگان برای دریافت گواهی شرکت در کنفرانس ثبت‌نام کرده‌اند. طبیعی است این گواهی هیچ کمکی به کیفیت کار ویراستار نمی‌کند.

قنواتی: بله استاد، دقیقاً همین‌طور است که می‌فرمایید. آموزش ویرایش ظاهراً به «کسب‌وکار» بدل شده است. اما من می‌خواهم با اجازه شما عرض کنم که این پدیده نامیمون دامن اغلب حوزه‌های کاربردی را گرفته است؛ همچون برخی از حوزه‌های پزشکی و پیراپزشکی، هنری (بازیگری، نقاشی، خوشنویسی)، فنی و صنعتی، علوم انسانی (حسابداری، روان‌شناسی، مشاوره)، و بسیاری از شاخه‌های دیگر.

در حال حاضر، بازار ویرایش و ویراستار بازاری پر رونق و روبه‌رشد (و درعین حال سطحی و حداقلی از منظر کیفی) است. اقتصاد ویرایش به اقتصاد نشر و اقتصاد نشر به اقتصاد صنعت وابسته است. در اوضاع کنونی که اقتصاد کشور تقریباً ورشکسته است و شوربختانه روزانه با کاهش ارزش پول ملی مواجهیم، اقتصاد نشر نیز تنی رنجور و بیمار دارد و هرچند به ارزش هزینه برای «ویرایش خوب» واقف است، توان و بنیه پرداخت آن را ندارد؛ در نتیجه، به ویرایش سطحی و پیش‌پاافتاده تن درمی‌دهد. این روند معیوب چرخه‌ای معیوب‌تر در پی دارد: از یک‌سو آموزش ویرایش را لجام‌گسیخته می‌کند و، از سوی دیگر، سطوح آموزش ویرایش را بسیار تنزل داده است. این تنزل و سطحی‌نگری تا جایی است که برخی نام‌آشنایان متأسفانه و بدبختانه به دام سودجویی گرفتار می‌آیند؛ در یک آگهی تبلیغاتی شخصاً مشاهده کردم که آورده بود: «با هشت جلسه آموزش ویراستار شوید». اندوه‌بارترش آنجاست که این قشری‌گری و سطحی‌نگری آن‌قدر ریشه دوانده است که اگر شما بخواهید آموزشی مناسب با تعداد جلسات بیشتر برگزار کنید، احتمالاً متهم می‌شوید که دکانی گشوده‌اید و کیسه‌ای دوخته‌اید و عزم آن دارید که از کاه کوه بسازید و گنجشک را رنگ کنید و جای قناری بفروشید. به هر تقدیر، در زمینه آموزش ویرایش جاده‌ای دشوار باید پیمود تا با یاری ایزد یکتا و لطف و همیاری بزرگان و دوستان بتوان به سرمنزل مقصود نزدیک و نزدیک‌تر شد. شاید بد نباشد تکرار کنم که قشری‌گری و سطحی‌نگری در آموزش، به باور بنده، دامن همه رشته‌ها، حوزه‌ها و زمینه‌ها را گرفته است و این موضوع فقط خاص ویرایش نیست.

خزاعی‌فر: شما در نظام آموزشی تان ویرایش را به چند دسته تقسیم کرده‌اید؟ به عبارت دیگر، ویرایش را در چند سطح تدریس می‌کنید؟ و چه برنامه‌های جنبی برای تقویت توانایی زبانی دانشجویان ویرایش دارید؟

قنواتی: پیش از پاسخ به این پرسش، این نکته را عرض کنم افراد مشتاق و علاقه‌مند بسیاری هستند که مایل‌اند ویرایش را به نحوی بایسته و شایسته فرا بگیرند و به‌گونه‌ای کاملاً تخصصی

و حرفه‌ای وارد آن شوند. اما تنگناهای مالی و زمانی این امکان را از آنان گرفته است. ما از روز نخست در انجمن همه تلاشمان را کردیم که اسیر موج‌های بازاری و ظاهری در آموزش نشویم. قضاوت را بر عهده اعضا و مخاطبان می‌گذارم. در خصوص آموزش در انجمن تا حدی توضیح دادم. افزون‌تر اینکه به لطف اعضای محترم هیئت‌مدیره و تنی چند از استادان، شاید بتوانم ادعا کنم (تأکید می‌کنم: شاید) که در حال حاضر در سطح کشور، چه در سطح دانشگاهی، چه در سطح فنی حرفه‌ای و علمی کاربردی، و چه در سطح آزاد، بهترین آموزش‌ها در حوزه نگارش و ویرایش از آن انجمن صنفی ویراستاران است. امیدوارم گزاره‌گویی نکرده باشم. از آموزش‌های کاملاً مبتدی تا پیشرفته در اغلب زمینه‌ها تعریف شده است؛ مرجع‌شناسی، ویرایش زبانی، دستور خط فارسی، روش‌های نمایه‌سازی، شیوه‌های ضبط اعلام، مبانی نظری ترجمه، ویرایش ترجمه، نگارش و ویرایش متون اداری و دیوانی، ویرایش صوری، عربی در فارسی، نگارش و ویرایش متون کودک و نوجوان، آشنایی با فرایند تولید کتاب، آشنایی با مبانی نشر و ویرایش، و... نمونه‌هایی از فهرست مفصل آموزش در انجمن هستند. علاوه بر این، نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های بازآموزی و مهارت‌افزایی، مشاوره‌های ویرایشی و حقوقی، دوره‌های آموزش‌محور و ... نیز نمونه‌هایی از فعالیت‌های جنبی انجمن چه در زمینه آموزش و چه در سایر زمینه‌هاست.

خرد جمعی حاکم در انجمن گستره فعالیت ویراستار را بسیار فراتر از حوزه کتاب می‌داند؛ صدا و سیما، روزنامه‌ها و نشریات، خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری، وبگاه‌ها، ترجمه و دوبله انواع فیلم‌ها و پویانمایی‌ها، بروشورها و کاتالوگ‌های انواع وسایل و لوازم خانگی و صنعتی، متن‌های پیام‌های تبلیغاتی و بازرگانی، تعیین ویژگی‌ها و نام‌گذاری انواع محصولات، تولید محتوا در فضای مجازی شاید تا حدی معرف گستره کنش ویراستار باشد. به همین سبب، آموزش در خور و همه‌جانبه لازم است تا بتواند ویراستاری تمام‌عیار به عرصه علم و صنعت و ادب و هنر عرضه کند. بر این مبنا، انجمن خود را موظف می‌داند نخست خود را ارتقا دهد تا سپس بتواند موتور پیشران جامعه و اجتماع خود باشد.

در پایان، سپاس بی‌دریغ از حضرت‌عالی و مجله وزین و محترم مترجم دارم که این فرصت را در اختیار بنده و انجمن صنفی ویراستاران قرار دادید. همچنین از استادان گران‌سنگ فریبرز مجیدی و گلی امامی (رؤسای پیشین و کنونی انجمن) سپاس‌گزارم که این امکان را به بنده دادند تا بسیار از محضرشان بیاموزم. به‌علاوه، قدردان زحمت‌ها و محبت‌ها و از خودگذشتگی‌های سرکار خانم دکتر مهناز مقدسی و جناب آقای هومن عباسپور (صاحبان و مدیران نشر همیشه) هستم که خالصانه و مخلصانه هرآنچه داشتند و دارند در طبق اخلاص نهاده‌اند تا یار شاطر علم و فرهنگ این مملکت باشند و نه بار خاطر آن.

و اما کلام آخر، افسوس و صد افسوس که «پدرو ویرایش ایران» از میان ما رفت. در روز

دوم فروردین ۱۴۰۲ استاد احمد سمیعی (گیلانی) دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت. به سهم خودم این ضایعه بزرگ را به همه مردم ایران، به ویژه ویراستاران، تسلیت می‌گویم. باشد که از سالکان مکتب و مسلک سمیعی باشیم.

^۱ رجوع شود به مقاله عبدالحسین آذرنگ و نیز مقاله اینجانب درباره محمدحسین فروغی در مترجم ۷۹